

فرا تحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران

محسن نیازی^۱

سمیه میری^۲

هادی افرا^۳

تاریخ وصول: ۹۸/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۳۱

چکیده

از مهم‌ترین مسائل اجتماعی که خانواده در جوامع معاصر را تحت تأثیر قرار داده، مسأله طلاق عاطفی است. به طوری که مطالعات بسیاری را برانگیخته است. از این‌رو، انجام تحقیقاتی که بتوان از طریق آن عصاره پژوهش‌های موجود را بدست آورد بسیار ضروری است. هدف از پژوهش حاضر، به‌کارگیری فراتحلیل به‌منظور تحلیل و ترکیب نتایج مطالعات پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی است. جامعه‌ی آماری پژوهش، کلیه‌ی مقالات در مورد طلاق عاطفی در بین خانواده‌های ایرانی است که بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ انجام شده‌اند. با توجه به معیارهای فراتحلیل، ۵ مقاله در خصوص طلاق عاطفی از میان ۶۰ مقاله منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعاتی انتخاب و توسط نرم‌افزار فراتحلیل بررسی شدند. بررسی‌های اولیه نشان دهنده ناهمگنی اندازه اثر و عدم سوگیری انتشار مطالعات است. همچنین، اندازه‌های اثر متغیرهای میزان دین‌داری زوجین معادل ۰/۳۱۶، میزان دخالت خانواده‌ها ۰/۳۰۳، ساختار قدرت در خانواده ۰/۳۸۷ است که بر حسب نظام تفسیری کوهن متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود.

واژگان کلیدی: طلاق عاطفی، میزان دین‌داری زوجین، ساختار قدرت در خانواده، میزان دخالت

خانواده‌ها، فراتحلیل.

۱- استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، ایران.

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان، ایران. (نویسنده مسئول). tirdad1320@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان، ایران.

مقدمه

خانواده مهم‌ترین و منحصر بفردترین نهاد اجتماعی است که سلامت و بهروزی یک جامعه را مرهون سلامت و رضایت اعضای آن دانسته‌اند (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۱، ۱۳۹۵). با اینکه خانواده در گذر زمان از نظر شکل و ساختار دچار تغییراتی شده است؛ با وجود این آنچه درباره خانواده بدون تغییر باقی مانده، این است که خانواده هنوز واحد اساسی جامعه به شمار می‌رود و مهم‌تر اینکه مکان رشد فرزندان است (نولر^۲، ۲۰۱۲)، همچنین کیفیت روابط درون خانواده، نقش به‌سزایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی خانواده دارد و پایه و اساس روابط درون خانواده بر محور رابطه زن و شوهر استوار است (افروز، ۱۳۸۹).

بنابراین بنیان و اساس هر خانواده‌ای به ارتباط بین زن و شوهر بستگی دارد که مبتنی بر حس متقابل همسران و احساس مسئولیت نسبت به هم‌دیگر است (بولکان^۳، ۲۰۱۵). از این رو استحکام و بهبود خانواده از اهمیت زیادی در جامعه برخوردار است. با این وجود، گاهی زوجین در روابط زناشویی با مشکلاتی روبرو می‌شوند که آن‌ها را دچار تعارض می‌کند. ارزیابی کلی فرد از رابطه زناشویی و وضعیت برآورده شدن نیازها، خواسته‌ها و آرزوهای شخصی و زوجی، میزان رضایت و یا نارضایتی از رابطه‌ی زناشویی را تعیین می‌کند (خان‌محمدی، ۲۰۱۸). از طرفی عدم توافق در هر رابطه‌ی زناشویی طبیعی است و تعارضات زناشویی یکی از مشکلات شایع زوج‌ها در دنیای امروز است (سایرز و فریسکو^۴، ۲۰۰۱) بنابراین بعضی طلاق را در این شرایط رهایی‌بخش می‌خوانند. زمانی که خانواده در آتش ستیز و آشوب می‌سوزد و فرزندان در معرض بیماری‌های روانی پایا هستند، طلاق می‌تواند درمان نهایی باشد.

طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد (کفاشی و سرآبادانی، ۱۳۹۳). کارشناسان بر این باورند که فرآیند طلاق در بیش‌تر مواقع این سیر را طی می‌کند: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آن‌ها، جدایی یا بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیری، طلاق عاطفی و طلاق قانونی (ترکمان و دیگران، ۱۳۹۳). هم‌زمان با رشد فرآیندهای آمار طلاق، برخی از خانواده‌ها، با کاهش فضای عاطفی خانواده و سرد شدن ارتباطات انسانی در محیط خانواده رو به رو هستند که این پدیده می‌تواند به طلاق عاطفی منجر شود (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۲). طلاق عاطفی وضعیتی است که در ظاهر ساختار خانواده حفظ می‌شود ولی در واقع خانواده از درون تهی است، چرا که رابطه عاطفی مثبت میان زوجین از میان رفته و روابط منفی عاطفی جای آن را گرفته است (پروین و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع به ازدواج‌های توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی

1- Goldenberg, H., & Goldenberg, I
2- Noller
3- Bolkan
4- Sayers & Kohn & Fresco

فرا تحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران

هستند (استیل و کیدز^۱، ۱۳۸۸). طلاق عاطفی را به‌عنوان نخستین مرحله در فرآیند طلاق تصور می‌کند و آن را نشان‌گر روابط زناشویی رو به زوال می‌داند که نوعی بیگانگی جایگزین آن می‌گردد (رشید و همکاران^۲، ۲۰۱۹).

پل بوهانان طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرآیند طلاق و بیانگر رابطه‌ی زناشویی رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (اولسون و دفراین^۳، ۲۰۰۶). در واقع کاهش چشم‌گیر تعاملات مثبت و رضایت از رابطه‌ی طرفین، زمینه‌ی طلاق عاطفی را فراهم می‌کند (دیندار و همکاران، ۱۳۹۷). طلاق عاطفی، فاصله‌ی عاطفی مشخص و آشکار میان همسرانی است که هر دو ناپخته هستند؛ هرچند یکی از آن‌ها ممکن است این ناپختگی را تأیید و دیگری با ابراز رفتار مسئولانه مفرط، چنین چیزی را انکار کند (گلدنبرگ، ۱۳۹۵).

طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است؛ همسران به جای حمایت از یکدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت‌نفس هم عمل می‌نمایند و هر یک به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری هستند (عظیمی رستا و نوبریان، ۱۳۹۲). گرچه این نوع طلاق در جایی ثبت نشده و نمود عینی ندارد اما مهم‌ترین نوع طلاقی است که زوجین و فرزندان زیادی از آن رنج می‌برند (یزدانی و کشاورز، ۱۳۹۲). با توجه به آمارهای بیان شده در مورد میزان طلاق عاطفی که بسیار بالاتر از میزان طلاق رسمی است، طلاق عاطفی را می‌توان یکی از عوامل مهم و مؤثر گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه، یعنی خانواده دانست (قراچه و همکاران، ۱۳۹۰). از طرفی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که طلاق عاطفی آثار و پیامدهای زبان‌بار جسمی و روانی بر زوجین دارد. طلاق عاطفی موجب بروز مشکلات و فشارهای روانی از قبیل: افسردگی، اضطراب، کاهش اعتماد به نفس، گوشه‌گیری و انزوا و ابتلا به بیماری‌های جسمی و روان‌تنی در زنان می‌شود (باستانی، ۱۳۹۱). هم‌چنین طلاق عاطفی با بزهکاری، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و افت تحصیلی در فرزندان رابطه دارد و آثار و پیامدهای طلاق عاطفی بیشتر از طلاق قانونی است (هاشمی و همایونی، ۲۰۱۷).

از طرفی عواملی که می‌تواند باعث طلاق عاطفی در بین زوجین شود بسیار است، از جمله: میزان دین‌داری زوجین، میزان دخالت خانواده‌ها و ساختار قدرت در خانواده از جمله عواملی هستند که منجر به طلاق عاطفی می‌شوند. که در این تحقیق با توجه به تحقیقات انجام شده در این زمینه‌ها، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، که منجر به موقعیت‌های تنش‌زا در خانواده می‌شود. بنابراین، طلاق عاطفی از موضوعات و مسائل اجتماعی بسیار مهم جوامع معاصر و به تبع آن ایران است که تمامی کشورها بسترهای آن را مطالعه کرده‌اند تا با دیدی ژرف‌تر نسبت به کنترل و مهار عوامل ایجادکننده آن اقدام کنند. در ایران نیز همانند سایر کشورها مطالعات زیادی پیرامون این پدیده انجام شده است که جهت دستیابی به دانشی

1- Still, & kid

2- Rashid & et al

3- Olson & Defranin

بومی در این خصوص، جمع‌بندی نتایج این پژوهش‌ها حائز اهمیت فراوان است. این امر با استفاده از روش فراتحلیل امکان‌پذیر است. رویکرد فراتحلیل با ترکیب نتایج مطالعات انجام شده، نگرشی جامع‌تر به موضوع دارد و عوامل تفاوت در نتایج را شناسایی و توجیه می‌نماید. رویکرد فراتحلیل در این پژوهش با نگاهی متفاوت و نگرشی جامع‌تر به موضوع، عوامل تفاوت در نتایج مطالعات گذشته را بررسی خواهد نمود و روابط تازه‌ای را میان پدیده‌های اجتماعی کشف می‌کند و از این طریق سبب کسب تصویری شفاف از وضع موجود موضوع پژوهش می‌شود. بر این اساس، تمام پژوهش‌های دارای شرایط تحقیق در حوزه طلاق عاطفی گردآوری و به شیوه فراتحلیل نتایج آن‌ها تحلیل می‌شود.

مرور پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه طلاق عاطفی نشان می‌دهد عوامل مختلفی در بروز طلاق عاطفی تأثیرگذار هستند. شعبانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با آن بیان می‌کند که میزان طلاق عاطفی در بین پاسخگویان نشان از این دارد که نزدیک به ۵۰ درصد پاسخگویان در کم‌ترین حد و ۴ درصد پاسخگویان در بیش‌ترین حد طلاق عاطفی قرار دارند. بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و طلاق عاطفی در بین افراد متأهل رابطه وجود ندارد. بین میزان دین‌داری و طلاق عاطفی در بین افراد متأهل رابطه (معکوس) وجود دارد. بین میزان تقدیرگرایی و طلاق عاطفی در بین افراد متأهل رابطه (مستقیم) وجود دارد. بین میزان دخالت دیگران و طلاق عاطفی در بین افراد متأهل رابطه (مستقیم) وجود دارد. بین نگرش پاسخگو به اعتیاد همسر و طلاق عاطفی در بین افراد متأهل رابطه (مستقیم) وجود دارد. بین میزان ارزش خانواده و طلاق عاطفی در بین افراد متأهل رابطه (مستقیم) وجود دارد. بین سلامت اخلاقی و طلاق عاطفی در بین افراد متأهل رابطه (معکوس) وجود دارد. بین سن پاسخگو، سن همسر، مدت زمان زندگی مشترک، مرتبه ازدواج، قومیت و طلاق عاطفی در بین افراد متأهل رابطه وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که چهار متغیر خشونت، مدت زندگی مشترک، دخالت دیگران و تقدیرگرایی مجموعاً ۶۲ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین می‌کنند. همچنین نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که خشونت، تقدیرگرایی، جنس، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مدت زندگی مشترک، سلامت اخلاقی و میزان دخالت دیگران هفت متغیر هستند که پیش‌بینی‌کننده طلاق عاطفی می‌باشند.

عظیمی رستا و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی بیان می‌کنند که بین سطح تحصیلات زوجین، میزان پایبندی زوج به اعتقادات دینی، میزان دخالت خانواده زوج، اعتیاد زوج به مواد مخدر و مشروبات الکلی و میزان تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای توسط زوج با طلاق عاطفی رابطه معناداری مشاهده می‌شود اما بین سنوات، فاصله‌ی سنی، درآمد ماهانه زوج و اشتغال زوج با طلاق عاطفی رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد.

یافته‌های پژوهش کفاشی و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر طلاق عاطفی نشان داد که بیش‌ترین سهم نسبی در به وجود آمدن طلاق عاطفی با مقدار ۰/۸۵۴ از آن متغیر تفاوت انتظارات و کم‌ترین سهم نسبی با مقدار ۰/۰۵۹ مربوط به متغیر تفاوت مذهبی است. بین طلاق

فرا تحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران

عاطفی و ساختار قدرت در خانواده رابطه‌معداری وجود دارد. از طرفی میانگین طلاق عاطفی در بین زنان شاغل و خانه‌دار با یکدیگر تفاوت معناداری ندارد. همچنین بین طلاق عاطفی و سطح درآمد رابطه معناداری مشاهده نشد.

ابراهیمی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقده بیان می‌کند که نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که میزان طلاق عاطفی در بین زنان در سطح متوسط به پایین قرار دارد. عواملی هم چون میزان دین‌داری، همسان همسری، برآورده نشدن انتظارات، تفاوت عقاید و وضعیت اجتماعی - اقتصادی تأثیرگذار بوده‌اند. در این تحقیق متغیرهای دین‌داری و همسان همسری رابطه‌ی مستقیم و معکوس داشتند و متغیرهای برآورده نشدن انتظارات و تفاوت عقاید، رابطه مستقیم با متغیر طلاق عاطفی داشتند.

طلایی پلنگرد (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش طلاق عاطفی بیان می‌کند که، بین محرومیت نسبی، تعارض زناشویی، ساختار قدرت در خانواده و فشار مالی با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین همه متغیرهای جمعیت‌شناختی (به استثنای سن و قومیت) شامل تحصیلات، تحصیلات همسر و محل سکونت بر طلاق عاطفی مؤثرند. همچنین نتایج رگرسیون بیانگر آن بود که متغیرهای مستقل تحقیق، حدود ۲۲ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین می‌کنند و متغیر ساختار قدرت در خانواده با تأثیرگذاری ۲۵ درصدی بیش‌ترین نقش را در تبیین طلاق عاطفی داشته است.

ملک‌پور (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان عوامل مرتبط با جدایی عاطفی در تازه عروسان بیان کرده است که، در بین عوامل مهم جدایی زوجین، میزان تحصیلات بیش‌ترین تأثیر مستقیم و سطح بالایی را در بین عوامل زمینه‌ای بر میزان طلاق عاطفی در بین زوجین و متغیر میزان شک به همسر از بین عوامل شناختی تنها متغیر تأثیرگذار و میزان رضایت از وضعیت مالی بیش‌ترین تأثیر معکوس بر میزان طلاق عاطفی در بین زوجین داشته است. از طرفی مدت زمانی که زوجین صرف شبکه‌های اجتماعی می‌کنند بیش‌ترین تأثیر مستقیم را در بین عوامل اجتماعی فرهنگی بر میزان طلاق عاطفی در بین زوجین داشته است. اما برای مشخص شدن موثرترین عامل گرایش به طلاق، پس از بررسی اطلاعات به دست آمده از آزمون رگرسیون چندگانه، به این نتیجه رسیده‌اند که مدت زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، میزان کتک‌کاری و شک به همسر به ترتیب در رتبه‌های بعدی از نظر میزان تأثیرگذاری، و قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده میزان گرایش نو عروسان به جدایی عاطفی هستند.

مظفری‌نیا و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی در شهر ایلام بیان می‌کنند که، رسانه‌های جمعی، به ویژه فضای مجازی باعث تغییر و تحولات بسیاری در زندگی و سبک زندگی مردم شده است. یکی از این پیامدها، رشد و قوام طلاق عاطفی است. طلاق عاطفی، محصول استراتژی‌های سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی و آگاهانه یا ناآگاهانه در ایجاد و بازتولید ارتباطات اجتماعی است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش بدین قرار است:

میانگین نمره سبک زندگی متأثر از فضای مجازی در بین زنان و مردان یکسان است. میانگین نمره سبک زندگی متأثر از فضای مجازی بر حسب میزان تحصیلات متفاوت می‌باشد؛ همچنین بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی، رابطه معنادار وجود دارد.

نیازی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان فراتحلیل مطالعات و تحقیقات پیرامون عوامل مرتبط با طلاق در ایران بیان می‌کنند که، تحقیقات بسیاری در زمینه‌ی عوامل موثر بر طلاق انجام شده است که لازم است به طبقه‌بندی و تعیین مهم‌ترین این عوامل پرداخته شود. بر این مبنای، فراتحلیل حاضر به منظور جمع‌بندی مطالعات داخلی پیرامون عوامل مرتبط با طلاق صورت گرفته است. نتایج حاصل از بیست مقاله مورد تحلیل محتوایی نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی با ضریب تأثیر (۰/۳۱) دارای تأثیر متوسط رو به بالا، در افزایش طلاق است. پس از آن، عوامل اقتصادی با ضریب تأثیر (۰/۲۳) عوامل اجتماعی با ضریب (۰/۱۹) و عوامل فردی با ضریب (۰/۱۴) به ترتیب، دارای میزان تأثیر متوسط رو به پایین بر میزان طلاق می‌باشند.

حسینی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان فراتحلیل مطالعات انجام شده درباره نگرش به طلاق در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۴ بیان می‌کنند که، سطح بالای تحصیلات، استفاده از اینترنت و داشتن ماهواره، طبقه‌ی اجتماعی سطح بالا، تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی همسران، تعارض در خانواده، کمرنگ شدن نقش اقتصادی مرد و کوچک شدن ابعاد خانواده، از جمله عوامل موثر در نگرش مثبت به طلاق هستند. عواملی مثل پای‌بندی به مذهب، سنت‌گرایی، پرهیز جنسی، رضایت زناشویی، نبودن طلاق در خانواده، و سرمایه اجتماعی در ایجاد نگرش منفی به طلاق مؤثرند. نگرش مثبت به طلاق، روند نسبتاً فزاینده و روبه رشدی را نشان می‌دهد. این روند محصول تسلط فردگرایی و لیبرالیسم، کاهش کنترل‌های نهادی، غلبه ارزش‌های فوق مادی، سبک زندگی مدرن، ورود زنان به بازار کار و عدم تعادل هزینه فایده ازدواج است. در مجموع، به نظر نمی‌رسد میزان روبه رشد طلاق و نگرش مساعد به آن، نشان دهنده ناخرسندی عمیق از نفس ازدواج باشد، بلکه نشانه عزم راسخ‌تر برای تبدیل ازدواج به رابطه‌ای پرثمر و رضایت‌بخش است. چنین تحولی متعلق به عصری است که با بازاندیشی مشخص می‌شود؛ یعنی عصری که در آن کنش‌ها و باورهای ما دائماً بررسی می‌شود.

مرور مبانی نظری پژوهش بیانگر این است که نظریه‌هایی که در مورد طلاق عاطفی وجود دارد به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- نظریه‌های جامعه‌شناسانی که وجود فضای عاطفی و سرشار از صمیمیت خانواده را لازم و ضروری می‌دانند و ۲- نظریه‌هایی که به دنبال تبیین چگونگی از بین رفتن این کارکرد خانواده و شکل‌گیری طلاق عاطفی هستند. در بحث از ویژگی‌های ساختاری فرهنگی خانواده در بین نظریه‌پردازان، سه ویژگی در همه‌ی سیستم‌های خانواده در درک کیفیت زندگی برای زوجین و خانواده‌ها مؤثر است. این سه ویژگی عبارتند از: انسجام، انعطاف‌پذیری و ارتباط که ساختاری فرهنگی، دیدگاه‌هایی درباره‌ی خانواده‌ی گسترده، سیستم اجتماعی و سیستم عقاید را ارائه می‌دهند. تحقیقات بسیاری درباره‌ی ویژگی‌های خانواده‌ی قوی با تمرکز بر سیستم خانواده وجود دارد. این ابعاد سه‌گانه، با ابعاد شش‌گانه‌ی مدل بین‌المللی قوت‌های

خانواده، که ديفراين (۲۰۰۶) توصيف کرده، رابطه‌ی مستقيم دارد (اولسون و ديگران، ۲۰۱۱). پل بوهانان می‌گويد: زن و شوهر اگرچه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آن‌ها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت‌انگیز بین تسلیم و نفرت از خود و تسلط و نفرت از خود تجربه می‌شود که در آن هریک از زن و شوهر به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی، دیگری را ازار می‌دهد (فیروزجاییان و همکاران، ۱۳۹۵).

در رویکرد کارکردگرایی، هنگامی که در کارکردهای خانواده اختلال ایجاد شود، نظام خانواده دچار کژکاری می‌شود. این وضعیت به خانواده‌هایی اطلاق می‌شود که در ایجاد و تثبیت ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و رفتارهای اجتماعی در محیط خانوادگی شکست خورده‌اند، خانواده کژکارکرد حالتی از بی‌سامانی را در قالب خانواده‌های به هم‌ریخته و آشفته نشان می‌دهد که در آن بی‌توجهی به یکدیگر، برخورد و درگیری، رفتار ناشایست و خشونت و بدرفتاری رواج دارد (مک‌کارتی و ادواردز^۱، ۱۳۹۰). به اعتقاد دورکیم، شرایط آنومیک هنگامی پدید می‌آید که جامعه، تعادل و نظم پیشین خود را از دست داده و دچار تزلزل، نابسامانی و پریشانی شده است؛ آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق و خودکشی افزایش می‌یابد و علل مختلفی در کار است. بعضی از این علل بومی است و اختصاصی به همان ناحیه دارد و برخی دیگر تعمیم‌یافته است که در پی تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها و در نهایت تغییر انتظارات و توقعات رخ می‌دهد. انتظارات بی‌شمار و گاه غیرمعقول (بعد از ازدواج) نوعی سرخوردگی و ناامیدی ایجاد می‌کند (زمانیان، ۱۳۸۷). شرایط تحولی جامعه، به ویژه دگرگونی‌های سریع و بنیادی‌های آن، روی بسیاری از جنبه‌ها و پدیده‌های اجتماعی از جمله طلاق اثر می‌گذارد. تحولات اقتصادی کلان در سطح کشور به نحوی که اقتصاد سیاسی جامعه را با دگرگونی‌های بنیادی مواجه سازد و تأثیر اساسی در جامعه داشته باشد می‌تواند در طلاق و تغییرات آن مؤثر باشد (میلز^۲، ۲۰۱۸).

در نظریه‌ی بحران ارزش‌ها، ارزش‌های اساسی یک جامعه بر لذت‌طلبی^۳، تمتع آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی^۴، ماده‌گرایی^۵ و ابزارگرایی استوارند و انسان‌ها صرفاً به تمتع می‌اندیشند و فقط مصالح خویش را در نظر می‌گیرند و همه چیز در چارچوب امور مادی، ملموس و حتی جسمانی خلاصه می‌شود. ارتباطات انسانی نیز از این شرایط تأثیر می‌پذیرد. روابط انسان‌ها از بعد معنوی تهی می‌شود و صرفاً در راه التذاذ آنی است. این نوع روابط بسیار سست و آسیب‌پذیر و شکننده‌اند و به محض آن که مصلحت دیگری روی نماید یا بر اثر مرور زمان یا عوامل دیگر، رابطه‌ها از درون تهی می‌شوند و به بهانه‌های مختلف می‌شکنند، در این شرایط روابط زناشویی نیز از این قاعده مستثنی نیست و آمار طلاق روز به روز افزایش خواهد یافت (ساروخانی، ۱۳۷۶). اودری^۶ کاهش پابندی به ارزش‌های مذهبی و دینی

1- McCarthy, J. R. & Edwards

2- Mills

3- Hedonism

4- Utilitarianism

5- Materialism

6- Udry

را در افزایش طلاق مؤثر می‌داند و به نقش دین به عنوان عاملی در راه جلوگیری از طلاق اشاره می‌کند. به نظر او افرادی که ایمان مذهبی دارند، کم‌تر به طلاق روی می‌آورند تا آنان که چنین ایمانی ندارند. با تضعیف ایمان و پایبندی‌های مذهبی در اکثر افراد و تغییر ارزش‌ها میزان طلاق در جامعه افزایش می‌یابد (صفایی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲). به نظر کانگر دوران‌های سخت اقتصادی در جامعه نتایج زیان‌باری بر خانواده‌ها دارد، یکی از این نتایج، احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی‌سامانی آن است. محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوج‌ها را کاهش می‌دهد و آن‌ها را به سوی طلاق سوق می‌دهد. مشکلات اقتصادی در بین زوج‌هایی که منابع خانوادگی آن‌ها برای بقای زندگی در سطح استاندارد مناسب نیست، زندگی زناشویی را بی‌ثبات می‌کند و مردان در این خانواده‌ها بیش‌تر تعامل منفی دارند (مجبی، ۱۳۸۰).

لارسن و هولمن^۱ عوامل مؤثر در ثبات و کیفیت زناشویی را بررسی کردند. از نظر آن‌ها مهم‌ترین این عوامل موارد زیر است: ۱- عوامل زمینه‌ای و محیطی مانند خانواده‌ی اصلی (مانند طلاق والدین)؛ ۲- عوامل اجتماعی - فرهنگی (مانند شغل)؛ ۳- رفتار و ویژگی‌های فردی مانند سلامت عاطفی و سلامت فیزیکی؛ ۴- فرآیندهای تعاملی زوجین مانند همسان‌همسری (لارسون و هولمن، ۱۹۹۴). رابرت استرنبرگ^۲ جوانب مختلف عشق را با مثلی که سه مؤلفه‌ی تعهد (جزء شناختی)، صمیمیت (جزء احساسی) و شور و اشتیاق (جزء انگیزشی) دارد، نشان می‌دهد، وی می‌گوید رابطه می‌تواند با هر یک از این سه مؤلفه آغاز و سپس با رشد دو مؤلفه‌ی دیگر به عشق تبدیل شود. تعهد یک وابستگی شناختی به فرد دیگر است. رشد تعهد به زمان زیادی نیاز دارد، به کندی آغاز می‌شود و در صورت مثبت بودن رابطه با سرعتی بیش‌تر افزایش می‌یابد؛ اگر رابطه موفق نباشد تعهد از بین می‌رود. افراد تعهد خود را زمانی نشان می‌دهد که رابطه وارد مرحله‌ی پیشرفته‌تر شود (مثلاً از مرحله‌ی نامزدی وارد ازدواج شود)، یعنی زمانی که باید وفادار باشند یا رابطه را در سخت‌ترین شرایط ادامه دهند. صمیمیت شامل به اشتراک گذاردن احساسات و فراهم آوردن حمایت عاطفی است. صمیمیت معمولاً مستلزم سطوح بالاتر خودآشنایی و به اشتراک گذاردن بعضی از اطلاعات شخصی است که معمولاً به دلیل احساس خطر فاش نمی‌شوند. صمیمیت با افزایش نزدیکی به تدریج افزایش می‌یابد و با رشد رابطه عمیق‌تر می‌شود. افراد با جلب اعتماد یکدیگر و انتقادپذیری می‌توانند پشتوانه‌ی قوی عاطفی برای صمیمیت ایجاد کنند. شور و اشتیاق جنسی معمولاً با ابراز محبتی که به برانگیختگی فیزیولوژیکی مربوط می‌شود و هم‌چنین با تعاملت جنسی، ابراز می‌شود. شور و اشتیاق جنسی به سرعت آشکار می‌شود و می‌تواند به سرعت نیز محو شود. شور جنسی مانند اعتیاد است و با پایان یافتن آن ممکن است فرد علائم کناره‌گیری مانند تحریک‌پذیری عصبی و افسردگی را احساس کند (هولمن، ۱۹۹۴).

متفکران و جامعه‌شناسان، طلاق عاطفی را یکی از آسیب‌های اجتماعی به‌شمار آورده و با رفتن میزان آن را نشانه بارز اختلال در اصول اخلاقی و به هم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع دگرگونی در هنجارهای اجتماعی به حساب می‌آورند (السون و دیفراین، ۲۰۰۶)، مشکلی که نشانه‌های آن پیش از

1- Larson & Holman

2- Sternberg, R

فرا تحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران

جدایی کامل دیده می‌شود و گاه زن و شوهر سال‌ها پیش از جدایی قانونی با این احساس درگیر هستند (لاور^۱، ۲۰۰۰).

از سوی دیگر طلاق عاطفی ممکن است تحت تأثیر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی باشد. انعطاف‌پذیری روان‌شناختی حاصل، شش فرآیند: پذیرش، گسل‌شناختی، بودن در زمان حال، خود به عنوان بافتار، ارزش‌ها و عمل متعهدانه است (هیز و همکاران^۲، ۲۰۱۳). انعطاف‌پذیری روان‌شناختی به توانایی افراد برای تمرکز بر موقعیت فعلی و استفاده از فرصت‌های آن موقعیت برای گام برداشتن در جهت اهداف و ارزش‌های درونی به‌رغم حضور رویدادهای روان‌شناختی چالش‌برانگیز یا ناخواسته اشاره دارد (همان منبع). اولسون و دیفراین معتقدند طلاق عاطفی در پی پاسخ ندادن زوجین به نظرات، انتظارات و نیازهای آنها اتفاق می‌افتد. در این موارد افراد نسبت به هم بی‌توجه شده و از یکدیگر پرهیز می‌کنند. در واقع کاهش چشم‌گیر تعاملات مثبت و رضایت از رابطه‌ی طرفین، زمینه‌ی طلاق عاطفی را فراهم می‌کند (یزدانی و همکاران، ۲۰۱۳). استفن مارکز^۳ با نگرشی سیستمی به فرد، رابطه‌ی او با همسرش و رابطه‌ی فرد با دیگران می‌نگرد. او چهارچوب نظریه‌ی خود را چنین توضیح می‌دهد که یک فرد متأهل دارای زاویه‌ی درونی، زاویه‌ی همسرش و زاویه‌ی سومی است که هر نقطه‌ی تمرکز خارج از خود به جز همسر را نشان می‌دهد (مارکز، ۱۹۸۹). مارکز^۴ در تحلیل خود به طور کلی ده مرحله را در روابط افراد تفکیک کرده که پنج مرحله مربوط به پیوند و پنج مرحله مربوط به جدایی است. مراحل جدایی موردنظر او عبارتند از: ۱- مرحله افتراق زمانی ۲- مرحله محدود کردن، ۳- مرحله بی‌روح شدن رابطه، ۴- مرحله پرهیز از یکدیگر، ۵- مرحله جدایی، بنابراین می‌توان با توجه به مراحل جدایی مطرح شده، طلاق عاطفی را وضعیتی در نظر گرفت که رابطه همسران در مراحل محدود کردن، بی‌روح شدن و پرهیز از یکدیگر باشد (گلدنبرگ، ۲۰۱۶).

روش

روش اصلی در انجام این تحقیق فرا تحلیل است. روش فرا تحلیل اولین بار توسط جین گلاس رئیس انجمن تحقیقات آموزشی ایالات متحده در سال ۱۹۷۶ به کار برد. در تعریف فرا تحلیل گفته‌اند: «فرا تحلیل مجموعه‌ای از روش‌های آماری است که برای یکپارچه کردن نتایج حاصل از پژوهش‌های کاربردی به کار می‌رود». گلاس که خود در واقع بنیان‌گذار روش فرا تحلیل است می‌گوید: «فرا تحلیل، تحلیل تحلیل‌هاست». به عبارت دیگر در این روش تحلیل‌ها و تحقیقاتی که درباره‌ی یک موضوع انجام شده است گردآوری شده و مورد تحلیل مجدد قرار می‌گیرند و تحقیقات در یک طیف خاص از ضعیف به قوی رتبه‌بندی می‌شوند (ولف^۵، ۲۰۱۶). در فرا تحلیل ابتدا، هدف پژوهش‌گر مشخص و مسأله تحقیق به

-
- 1- Lawler
 - 2- Hayes & et al
 - 3- Marks
 - 4- Mark Knapp
 - 5- Wolf

روشنی تعریف می‌شود. دوم، از بین مطالعات موجود، از آن‌هایی که با ملاک‌های پژوهش مورد نظر هماهنگی دارند، نمونه‌گیری به عمل می‌آید؛ به‌طور معمول فراتحلیل بررسی جامع تمامی جامعه مطالعات مربوط است. سوم، داده‌های تحقیقات جمع‌آوری و ویژگی‌های آن‌ها براساس هدف تحقیق فراتحلیلی کدگذاری و طبقه‌بندی می‌شود. نتایج مطالعه به یک مقیاس کمی مشترک تبدیل می‌شود، به طوری که قابل مقایسه باشد. سرانجام برای بررسی روابط بین ویژگی‌های مطالعات و یافته‌ها، روش‌های آماری مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌طور کلی برای اجرای روش فراتحلیل، ابتدا حوزه‌ای را انتخاب می‌کنیم که نتایج پژوهش‌های انجام شده در آن حوزه دو پهلو یا مشتبه کننده باشد، سپس مراحل زیر را به ترتیب انجام می‌دهیم: ۱- شناسایی منابع و ارزشیابی نتایج پژوهش‌ها؛ ۲- ترکیب نتایج پژوهش‌های انتخاب شده و مقایسه آن‌ها با یکدیگر؛ ۳- ارزشیابی نتایج فراتحلیل به منظور کاهش خطا (قاضی طباطبایی، ۱۳۸۹ و نوردمن^۱، ۲۰۱۲).

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر، کلیه‌ی مقالات در حوزه‌ی مسأله‌ی اجتماعی طلاق عاطفی در بین خانواده‌های ایرانی است که در پایگاه‌های مختلف مگ‌ایران، ایران‌داک، پورتال جامع علو انسانی، پایگاه اطلاعاتی جهاد دانشگاهی و پایگاه کنفرانس‌های کشور (سیلوکیا) مورد جستجو قرار گرفتند که در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ چاپ شده است. در اینجا با مطالعه‌ی اسنادی از نوع تحلیل محتوای متون، پژوهش‌های کاربردی حوزه طلاق عاطفی مورد واکاوی قرار می‌گیرند و داده‌های مورد نیاز جهت پوشش اهداف متصور، دسته‌بندی نظری، روشی و تحلیلی مبتنی بر یافته‌ها و پیشنهادها از میان پژوهش‌های منتخب با رویکرد کاربردی، استخراج می‌گردد. بدین منظور جامعه‌ی آماری از میان بیش از ۶۰ پژوهش در این حوزه، ۵ مقاله که مرتبط با روش برخورد با مسأله در این پژوهش بود، انتخاب شده است.

جدول (۱): مشخصات پژوهش‌های انتخاب شده براساس اطلاعات مورد نیاز برای انجام فراتحلیل

ردیف	متغیر	محقق	سال	حجم نمونه	جامعه‌ی آماری	نمونه‌گیری
۱	میزان دینداری زوجین	۱- سعید شعبانی	۱۳۹۲	۳۸۴	زوجین شهر همدان	طبقه‌ای
		۲- منظر طلایی پلنگرد	۱۳۹۴	۳۸۴	زنان متأهل شهر اهواز	طبقه‌ای متناسب
		۳- سمیه ابراهیمی، حسین بنی فاطمه	۱۳۹۱	۳۷۸	زنان متأهل شهر نقده	خوشه‌ای
		۴- محمود عظیمی رستا، مهرناز عابدزاد نوبریان	۱۳۹۲	۶۰۰	زنان متأهل شهر تهران	نمونه‌گیری تصادفی ساده
		۵- ستار پروین، مریم داودی، فریبرز محمدی	۱۳۹۱	۵۰۰	خانواده‌های ساکن در شهر تهران	دو مرحله‌ای خوشه‌ای و تصادفی
۲	میزان دخالت خانواده‌ها	۱- زهره ملک پور	۱۳۹۵	۶۰۰	زوجین منطقه ۱۱ تهران	تصادفی- اتفاقی
		۲- سعید شعبانی	۱۳۹۲	۳۸۴	زوجین شهر همدان	طبقه‌ای
		۳- محمود عظیمی رستا، مهرناز عابدزاد نوبریان	۱۳۹۲	۶۰۰	زنان متأهل شهر تهران	نمونه‌گیری تصادفی ساده
		۴- مجید کفایشی، سمیه سرآبادی	۱۳۹۳	۴۰۰	زنان متأهل شاغل و خانه دار شهر قم	خوشه‌ای
۳	ساختار قدرت در خانواده	۱- منظر طلایی پلنگرد	۱۳۹۴	۳۸۴	زنان متأهل شهر اهواز	طبقه‌ای متناسب
		۲- مجید کفایشی، سمیه سرآبادی	۱۳۹۳	۴۰۰	زنان متأهل شاغل و خانه دار شهر قم	خوشه‌ای
		۳- ستار پروین، مریم داودی، فریبرز محمدی	۱۳۹۱	۳۸۴	خانواده‌های ساکن در شهر تهران	دو مرحله‌ای خوشه‌ای و تصادفی

1- Nordmann

فرا تحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران

سوگیری انتشارات؛ یکی از مشکلاتی که موجب مخدوش شدن اعتبار نتایج فرا تحلیل می‌شود عدم دسترسی محقق به تمام مطالعاتی است که در فاصله‌ی زمانی خاص در موضوع مورد بررسی انجام شده‌اند. به عبارتی، یکی از بخش‌های مهم فرآیند فرا تحلیل، بررسی سوگیری انتشار است که ناشی از انتشار پژوهش‌های چاپ شده و عدم انتشار پژوهش‌های چاپ شده و انواع خطاها می‌باشد. به همین منظور برای بررسی این مفروضه از روش رگرسیونی اگر^۱ استفاده شده است. براساس رگرسیون خطی اگر، در نبود سوگیری انتشار انتظار می‌رود در تحقیقات کوچک اثر استاندارد کوچک و در تحقیقات بزرگ، اثر استاندارد بزرگ مشاهده شود. این حالت خط رگرسیونی را ایجاد می‌کند که برشی از خط رگرسیون اصلی است. اگر برش خط رگرسیونی با سطح مورد انتظار تفاوت داشته باشد علت آن ممکن است سوگیری انتشار باشد. نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی اگر، به منظور بررسی سوگیری انتشار به شرح جدول (۲) می‌باشد:

جدول (۲): سوگیری انتشار (نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی اگر)

متغیر	برش (B)	خطای استاندارد (SE)	t-Value	سطح معنی‌داری (P-Value)
میزان دینداری زوجین	۱/۴۶۱	۶/۲۹۲۴۴	۰/۲۳۲۲۳	یک دامنه ۰/۴۱۵۶۵
میزان دخالت خانواده‌ها	۵/۴۷۰	۴/۴۹۲۲۲	۱/۲۱۷۸۴	دو دامنه ۰/۸۳۱۳۰
ساختار قدرت در خانواده	۸۰/۷۵۸	۳۸/۹۰۰۴۵	۲/۰۷۶۰۳	یک دامنه ۰/۱۴۲۸۹

بر اساس نتایج رگرسیون خطی اگر، فرض صفر مبنی بر متقارن بودن و عدم سوگیری انتشار تأیید می‌گردد.

یافته‌ها

جدول شماره‌ی ۳ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران با فاصله اطمینان ۹۹ درصد در هر کدام از پژوهش‌های انتخاب شده است. اندازه‌ی اثر بیانگر میزان یا درجه حضور پدیده‌ها در جامعه و برابر با نسبت سطح معناداری به شاخصی از حجم نمونه است. در پژوهش‌های مورد بررسی، بیش‌ترین اندازه‌ی اثر مربوط به پژوهش‌های پروین، ملک‌پور، عظیمی است و کم‌ترین اندازه‌ی اثر مربوط به پژوهش‌های شعبانی، کفاشی است.

1- regression intercept Eggers

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هفدهم، شماره شصت و چهارم، بهار ۱۳۹۹

جدول (۳): نتایج رابطه عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران

متغیر	ردیف	پژوهشگر	اندازه‌ی اثر	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		P-Value	Z-Value
				حد پائین	حد بالا		
میزان دینداری زوجین	۱	سعید شعبانی	۰/۰۵۶	-۰/۰۴۴	۰/۱۵۵	۰/۰۰۰	۱/۳۹۰
	۲	منظر طلایی پلنگرد	۰/۲۱۰	-۰/۱۱۲	۰/۳۰۴	۰/۰۰۰	۴/۱۶۱
	۳	ابراهیمی، بی فاطمه	۰/۳۹۷	-۰/۳۰۸	۰/۴۷۹	۰/۰۰۰	۸/۱۳۵
	۴	عظیمی رستا، نویریان	۰/۴۹۱	-۰/۲۷۱	۰/۶۶۲	۰/۰۰۰	۴/۰۵۷
	۵	پروین، داودی، محمدی	۰/۴۳۵	-۰/۳۶۱	۰/۵۰۳	۰/۰۰۰	۱۰/۳۹۰
میزان دخالت خانواده‌ها	۱	اثرات ترکیبی ثابت	۰/۲۹۹	-۰/۲۵۵	۰/۳۴۲	۰/۰۰۰	۱۲/۷۰۳
	۲	اثرات ترکیبی تصادفی	۰/۲۹۹	-۰/۲۵۳	۰/۴۶۲	۰/۰۰۰	۳/۷۱۵
	۱	زهره ملک پور	۰/۵۶۲	-۰/۴۴۲	۰/۶۶۳	۰/۰۰۰	۷/۷۰۸
	۲	سعید شعبانی	۰/۱۹۰	-۰/۰۹۲	۰/۲۸۵	۰/۰۰۰	۳/۷۵۴
	۳	عظیمی رستا، نویریان	۰/۳۳۵	-۰/۰۸۹	۰/۵۴۳	۰/۰۰۹	۲/۶۳۱
ساختار قدرت در خانواده	۴	کفاشی، سرآبادی	۰/۱۱۲	-۰/۰۱۴	۰/۲۰۸	۰/۰۲۵	۲/۲۴۱
	۱	اثرات ترکیبی ثابت	۰/۲۳۱	-۰/۱۷۱	۰/۲۹۰	۰/۰۰۰	۷/۳۷۹
	۲	اثرات ترکیبی تصادفی	۰/۳۰۳	-۰/۰۹۴	۰/۴۸۷	۰/۰۰۵	۲/۸۰۵
	۱	کفاشی، سرآبادی	۰/۱۴۰	-۰/۰۴۳	۰/۳۳۵	۰/۰۰۵	۲/۸۰۸
	۲	منظر طلایی پلنگرد	۰/۳۲۸	-۰/۲۳۶	۰/۴۱۴	۰/۰۰۰	۶/۶۴۸
ساختار قدرت در خانواده	۳	پروین، داودی، محمدی	۰/۶۳۱	-۰/۵۷۵	۰/۶۸۱	۰/۰۰۰	۱۶/۵۶۶
	۱	اثرات ترکیبی ثابت	۰/۴۱۰	-۰/۳۶۳	۰/۴۵۴	۰/۰۰۰	۱۵/۵۴۴
	۲	اثرات ترکیبی تصادفی	۰/۳۸۷	-۰/۰۵۰	۰/۶۴۶	۰/۰۲۶	۲/۲۳۲

الف) بررسی مفروضه همگنی مطالعات انجام شده؛ یک بخش مهم از هر فراتحلیل آزمون همگنی مطالعات می‌باشد که به منظور بررسی این مفروضه از آزمون Q استفاده شده است که نتایج حاصل از بررسی آن در جدول (۵) نمایش داده شده است.

جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون Q

متغیر	مقدار آزمون (Q)	درجه آزادی (DF)	(P-Value)	I-Squared
میزان دینداری زوجین	۴۷/۷۳۳	۴	۰/۰۰۰	۹۱/۶۲۰
میزان دخالت خانواده‌ها	۳۰/۹۹۶	۳	۰/۰۰۰	۹۰/۳۲۱
ساختار قدرت در خانواده	۸۴/۸۹۹	۲	۰/۰۰۰	۹۷/۶۲۴

با توجه به نتایج حاصل از آزمون Q به نظر می‌رسد در مورد مطالعات مربوط به هر دو فرضیه مورد بررسی (p>0.05) با اطمینان ۹۰ درصد فرض صفر مبنی بر ناهمگن بودن مطالعات پذیرفته شده و فرض همگونی میان پژوهش‌ها رد می‌شود. به بیان دیگر، معنادار بودن شاخص Q نشان دهنده‌ی وجود ناهمگنی در اندازه‌ی اثر پژوهش‌ها است. ضریب مجذور I دارای مقداری از صفر تا ۱۰۰ درصد است و در واقع مقدار ناهمگنی را به صورت درصد نشان می‌دهد. هر چه مقدار این ضریب به ۱۰۰ درصد نزدیک‌تر باشد، نشان دهنده ناهمگنی بیش‌تر اندازه‌اثرهای پژوهش‌هاست. در مطالعات مربوط به عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران، نتایج حاصل از ضریب مجذور I بیانگر این مطلب است که حدود ۹۸ درصد از تغییرات کل

فرا تحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران

مطالعات به ناهمگنی مطالعات مربوط می‌باشد و باید از مدل آثار تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. همچنین در مطالعات مربوط به میزان دخالت خانواده‌ها، نتایج حاصل از ضریب مجذور I بیانگر این مطلب است که حدود ۹۰ درصد از تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی مطالعات مربوط می‌باشد و باید از مدل اثرات تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. در واقع، این آزمون به ما می‌گوید که رابطه بین عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصات مطالعات، متفاوت هستند و در این وضعیت باید از متغیر تعدیل‌گر برای مشخص کردن واریانس و محل این تفاوت‌ها استفاده کرد. در مدل اثرات ثابت فرض می‌شود؛ اندازه اثر واقعی وجود دارد که زیربنای همه‌ی تحلیل‌هاست و تفاوت‌های اندازه اثر تحقیقات اولیه به دلیل خطای نمونه‌گیری است. در مقابل، در مدل اثرات تصادفی، فرض می‌شود. اندازه‌ی اثر واقعی از تحقیقی به تحقیق دیگر در حال تغییر است که یکی از علل آن می‌تواند وجود متغیرهای مداخله‌گر در روابط بین متغیرهاست.

(ب) محاسبه اندازه‌ی اثر؛ با توجه به اینکه پس از بررسی مفروضات فرا تحلیل این نتیجه به دست آمد که باید از مدل اثر تصادفی به منظور ترکیب نتایج به منظور گزارش اندازه‌ی اثر استفاده کرد، لذا در جدول شماره‌ی ۵ گزارش اندازه‌ی اثر مطالعات انجام شده در مدل تصادفی ارائه شده است.

جدول (۵): نتایج حاصل از اندازه‌ی اثر مطالعات

پیش	تعداد مطالعات	اندازه‌ی اثر (۲)	حد پایین	حد بالا	Z-Value	P-Value
میزان دینداری زوجین	۵	۰/۳۱۶	۰/۲۵۳	۰/۴۶۲	۳/۷۱۵	۰/۰۰۰
میزان دخالت خانواده‌ها	۴	۰/۳۰۳	۰/۰۹۴	۰/۴۸۷	۲/۸۰۵	۰/۰۰۵
ساختار قدرت در خانواده	۳	۰/۳۸۷	۰/۰۵۰	۰/۴۶۴	۲/۲۲۲	۰/۰۲۶

داده‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که میانگین اندازه‌ی اثر میزان دین‌داری زوجین در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۳۱۶ و میانگین اندازه‌ی اثر میزان دخالت خانواده‌ها در نمونه‌ی مورد پژوهش معادل ۰/۳۰۳ و میانگین اندازه‌ی اثر ساختار قدرت در خانواده در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۳۸۷ می‌باشد. چون این اندازه برآورد شده در محدوده‌ی اطمینان می‌باشد، لذا باید گفت عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

روابط خانوادگی و تعاملات بین زن و شوهر در جامعه جدید دچار چالش‌های جدی شده است. شواهد وجود این واقعیت را می‌توان در افزایش پرونده‌های طلاق و شلوغی راهروی دادگاه‌های خانواده و افزایش نرخ طلاق مشاهده کرد. این تغییرات خاص جامعه ایران نیست و اغلب جوامع معاصر را درنوردیده است. در دو دهه‌ی اخیر و با گسترش زندگی شهرنشینی، رواج ظواهر نوگرایی و تغییر شیوه‌ی زندگی مردم از سنتی به جدید و گسترش وسایل ارتباطی نوین، نظام خانواده در ایران دست‌خوش تغییراتی شده است. به گونه‌ای

که می‌توان گفت این تغییرات با خود آسیب‌های فراوانی به همراه داشته است. خانواده، که نهادی برای برآورده کردن نیازهای عاطفی به حساب می‌آمد، به تدریج جایگاه خود را متزلزل یافت و مفاهیمی هم‌چون روابط موزاییکی و طلاق عاطفی بر سر زبان‌ها افتاد. طلاق عاطفی و تعارضات، تهدیدهایی جدی برای زندگی زناشویی هستند که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می‌کشند و موجب بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شوند. هرچند گستره‌ی طلاق در جامعه‌ی ایرانی در حال افزایش است، به نظر می‌رسد با وضعیت دیگری در جامعه‌ی ایرانی روبرو هستیم که زمینه‌ساز بسیاری از مسائل خانواده از جمله طلاق (قانونی) است. طلاق عاطفی که به معنای عدم معاشرت‌پذیری و عدم تعلق عاطفی بین زوجین است، خود شروعی برای طلاق قانونی، خشونت خانگی، روابط فرازناشویی و مسائل دیگر است. براین اساس، مطالعات گسترده‌ای در سراسر جهان و از آن جمله ایران در خصوص طلاق عاطفی انجام شده‌اند که نتایج مشابه و گاه متناقض و همبستگی‌های ضعیف و قوی نتایج این پژوهش‌ها، ضرورت انجام پژوهش فراتحلیل را نشان می‌دهد تا از طریق آن بتوان درکی جامع از موضوع را بدست آورد. برای این منظور با استفاده از روش فراتحلیل، در گام نخست برای بررسی سوگیری انتشار از رگرسیون خطی اِگر استفاده شد. نتایج حاصل از آن نشان‌دهنده متقارن بودن و عدم سوگیری انتشار پژوهش‌ها و مطالعات مورد استفاده در این پژوهش است. همچنین نتایج بدست آمده از آزمون Q، با اطمینان ۹۵ درصد فرض مبتنی بر ناهمگن بودن مطالعات را تأیید می‌کند که در نتیجه آن جهت ادامه بررسی باید از اندازه‌ی اثرات تصادفی استفاده کرد. نتایج حاصل از به‌کارگیری روش فراتحلیل با بهره‌گیری از روش ترکیب اندازه‌ی اثر در پژوهش حاضر، نشان‌دهنده این است که براساس اندازه اثر ترکیبی کلی در مدل اثرات تصادفی رابطه معناداری بین متغیر میزان دین‌داری زوجین (۰/۳۱۶) و طلاق عاطفی وجود دارد. براساس نظام تفسیر اندازه‌ی اثر کوهن میزان دین‌داری زوجین نقش متوسطی در تبیین واریانس طلاق عاطفی دارد. این نتایج با نتیجه تحقیقات جامعه‌شناختی در این حوزه از جمله (شعبانی، ۱۳۹۵؛ طلایی پلنگرد، ۱۳۹۴؛ عظیمی رستا، ۱۳۹۲؛ پروین، ۱۳۹۱؛ ابراهیمی، ۱۳۹۳). مطابقت دارد.

هم‌چنین، میزان دخالت خانواده‌ها (۰/۳۰۳) رابطه‌ی معناداری با طلاق عاطفی دارد. براساس نظام تفسیر اندازه‌ی اثر کوهن میزان دخالت خانواده‌ها نقش متوسطی در تبیین واریانس طلاق عاطفی دارد. نتیجه بدست آمده با نتایج جامعه‌شناختی این حوزه از قبیل (شعبانی، ۱۳۹۵؛ کفاشی و همکاران، ۱۳۹۳؛ عظیمی رستا، ۱۳۹۲) مطابقت دارد. ساختار قدرت در خانواده نیز (۰/۳۸۷) رابطه معناداری با طلاق عاطفی دارد. بر اساس نظام تفسیر اندازه‌ی اثر کوهن ساختار قدرت در خانواده نقش متوسطی در تبیین واریانس طلاق عاطفی دارد. نتیجه بدست آمده با نتایج جامعه‌شناختی این حوزه از قبیل (پروین، ۱۳۹۱؛ کفاشی و همکاران ۱۳۹۳؛ عظیمی رستا، ۱۳۹۲) مطابقت دارد.

در مجموع، نتایج حاصل از روش فراتحلیل پژوهش حاضر نشان‌دهنده تأیید این عوامل (میزان دین‌داری زوجین، میزان دخالت خانواده‌ها و ساختار قدرت در خانواده) و تأثیرشان بر طلاق عاطفی حکایت دارد.

فرا تحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران

منابع

- آزادی، شهین‌دخت؛ سهامی، سوسن؛ قهرمانی، زهرا و قهرمانی، گلناز. (۱۳۸۹). ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره‌برداری نفت گچساران، فصلنامه‌ی زن و بهداشت، سال ۱، شماره‌ی ۳.
- ابراهیمی، سمیه. (۱۳۹۳). طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقده، فصلنامه‌ی مطالعات اجتماعی، سال ۵، شماره‌ی ۱۷.
- استیل، لیز. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی مهارتی خانواده، ترجمه‌ی فریبا سیدان و افسانه کمالی. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۹). روانشناسی رابطه‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- باستانی، سوسن؛ محمود، گلزاری؛ روشنی، شهره. (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن. خانواده پژوهی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲۶.
- پروین، ستار؛ داوودی، مریم؛ محمدی، فریبرز. (۱۳۹۱). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. سال ۱۴، شماره‌ی ۵۶.
- دیندار، الهام؛ مهدوی، محمدصادق؛ میرزایی، سیدمحمد. (۱۳۹۷). بررسی رابطه‌ی بین مهارت‌های زندگی و طلاق عاطفی (مورد مطالعه: افراد متأهل شهر شیراز در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۵)، زن و جامعه، سال ۹، شماره‌ی ۴.
- رشید، خسرو؛ حسنونند، فضل‌الله؛ نبی‌زاده، صفدر؛ رشتی، عابده. (۱۳۹۸). بررسی عوامل برون فردی مؤثر بر طلاق عاطفی در میان زنان، مطالعات زنان و دانشگاه الزهرا، سال ۷، شماره‌ی ۱.
- زمانیان، علی. (۱۳۸۷). تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه‌ی اخیر در ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات، چاپ اول، تهران: انتشارات آوای‌نور.
- شعبانی، سعید. (۱۳۹۲). بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.
- صفایی‌راد، سوری؛ و وارسته‌فر، افسانه. (۱۳۹۲). رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شرق تهران. فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره‌ی ۵۳.
- طلایی پلنگرد، منظر. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش طلاق عاطفی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه اهواز.

- عظیمی رستا، محمود، عابدزاده، مهرناز. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده. فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی ایران، سال ۳، شماره‌ی ۱۰.
- فرح، ترکمان؛ اسکافی، مریم؛ عیدگاهیان، ندا و سهرابی، ایرج. (۱۳۹۳). همگنی، صمیمیت و طلاق عاطفی با استفاده از نرم‌افزار تحلیل شبکه. معرفت فرهنگی اجتماعی. سال ۶، شماره‌ی ۱.
- فیروزجاییان، علی اصغر؛ ریاحی، محمداسماعیل؛ محمدی دوست، منصوره. (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی طلاق عاطفی در میان زوجین شهر نوشهر. فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۳.
- قاضی طباطبایی، محمود؛ ودادهیر، ابوعلی. (۱۳۸۹). روش تحقیق فراتحلیل، تهران: جامعه‌شناسان.
- قراچه، مریم؛ شهدخت آزادی؛ افراسیابی، اردشیر. (۱۳۹۰). بدرفتاری همسر و کیفیت زندگی زنان متأهل، فصلنامه‌ی اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱۹.
- کفاشی، مجید؛ سرآبادانی، سمیه. (۱۳۹۳). عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر طلاق عاطفی دو گروه زنان متأهل خانه‌دار و شاغل شهر قم، دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال ۳، شماره‌ی ۵.
- گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۹۵). خانواده درمانی. ترجمه‌ی حسین شاهی برواتی، حمید رضا نقش‌بندی و الهام ارجمندی. تهران: انتشارات راوان.
- محبی، فاطمه. (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی اجتماعی مسائل زنان. مطالعات راهبردی زنان، شماره‌ی ۱۳.
- مظفری‌نیا، سهراب؛ قاسمی‌پور، مریم. (۱۳۹۶). بررسی رابطه‌ی بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی در شهر ایلام، فصلنامه‌ی علمی ترویجی فرهنگ ایلام، دوره‌ی ۱۸، شماره‌ی ۵۶ و ۵۷.
- مک کارتی، جین ربنز و روزالیند ادواردز. (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، ترجمه‌ی محمد مهدی لیبی، تهران: انتشارات علم.
- ملک‌پور، زهره. (۱۳۹۵). عوامل مرتبط با جدایی عاطفی در تازه عروسان (شهروندان منطقه ۱۱ تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- میلز، سی‌رایت. (۱۳۶۰). بینش جامعه‌شناختی. ترجمه‌ی عبدالعزیز انصاری. شرکت سهامی انتشار.
- یزدانی، عباس؛ حقیقتیان، منصور؛ کشاورز، حمید. (۱۳۹۲). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی: شهرکرد). فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. شماره‌ی ۶.

- Bolkan, A. (2015). The Effects of Life Skills Psycho-education Programme on Divorced Women's Level of Inner Directed Support and Analysis of this Effect Based on Types of Marriage and Various Demographic Features. Journal Procedia- Social and Behavioral Sciences, 205, 655-663.

- Hashemi, L., & Homayuni, H. (2017). Emotional divorce: Child's well-being. Journal of Divorce & Remarriage, 58, 631-644.

فرا تحلیل مطالعات انجام شده پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در جامعه‌ی ایران

- Hayes, S. C., Levin, M. E., Plumb-Villardaga, J., Villatte, J. L., & Pistorello, J. (2013). Acceptance and commitment therapy and contextual behavioral science: Examining the progress of a distinctive model of behavioral and cognitive therapy. *Behavior therapy*, 44(2), 180-198.
- Khan Mohammadi, Zabihallah & et al. (2018). Predicting emotional divorce based on psychological basic needs, marital expectations and family function. *Family Psychology*. 30-17, 1. Vol.5, No
- Larson, Jeffrey & B. Holman Thomas. (1994). premarital predictors of marital quality and stability, *Family Relations*, Vol. 43, No. 2, (1994).
- Lawler, M. (2000). "Transitioning Through Divorce: The Six Types of Divorce". Stillwater, OK: Oklahoma State University Cooperative Extension Service. Retrieved July 10, 2013 from <http://pods.dasnr.okstate.edu/docushare/dsweb/Get/Document-2412/T-2234.pdf>.
- Malekpour, Zohreh, (2016). Factors Related to Emotional Separation in Newlyweds (Citizens of the 11th district of Tehran). MA thesis. Islamic Azad University of Tehran Center Branch: [persian].
- Marks, Stephen, R. (1989). Toward a systems theory of marital quality. *Journal of marriage and family*, 51, pp15-2
- Noller, P. Karantzas, G. C. (2012). *The Wiley-Blackwell Handbook of Couples and Family Relationships*. New York: Wiley-Blackwell.
- Nordmann, AJ; Kasenda, B; Briel, M. (2012). Meta-analyses: what they can and cannot do. *Swiss medical weekly* 142.
- Olson, David H & Defrain, John. (2006). *Marriage and families*. New York: Mc Graw Hill.
- Olson, David H., John Defrain and Linda Skogrand. (2011). *Marriage and Families, Intimacy, Diversity and Strengths*, Mc Graw-Hill Companies.
- Sayers, S. L. Kohn, C. S. & Fresco, D. M. (2001), *Marital Conflict and Depression in The Context of Marital Discord. Cognitive Therapy and Research*, 25(6).
- Wolf, Fredric. (1986). *Meta-Analysis: Quantitative Methods for Research Synthesis*, Volume 59, SAGE Publications.